

کوتاه از دیپلماسی

۹ تبعه ایرانی زندانی گروه تروریستی ترکیه به کشور برگشتند

● فارس؛ سخنگوی وزارت امور خارجه روز گذشته خبر داد که ۹ تبعه ایرانی مفقودشده با پیگیری‌های وزارت امور خارجه، سفارتخانه‌های ایران در ترکیه و سوریه و سفارتخانه‌های این دو کشور در تهران از مرز رازی وارد کشور می‌شوند. سعید خطیب‌زاده اعلام کرد که ۹ تبعه ایرانی که با هدف مهاجرت به ترکیه سفر کرده و در این سفر دچار مشکلاتی شده بودند، در چارچوب همکاری دولت ایران و ترکیه روز شنبه از مرز رازی وارد کشور می‌شوند. او افزود: وزارت امور خارجه، سفرای ایران در ترکیه و سوریه و سفارتخانه‌های ترکیه و سوریه در ایران به‌منظور کمک به بازگشت این افراد به دامن خانواده‌های‌شان همکاری کردند. به گزارش فارس، شه‌ریورماه امسال، خبرهایی در برخی رسانه‌ها مبنی بر بازداشت ۹ تبعه ایرانی از سوی پلیس ترکیه و تحویل آنها به گروه‌های تروریستی در شمال سوریه منتشر شد. آن‌گونه که در برخی رسانه‌ها آمده بود، این ۹ نفر از منطقه هورامان و شهر پاپه باستان، ۹ نفر به قصد اخذ پناهندگی در ترکیه حضور داشتند و پس از بازداشت از سوی دولت ترکیه، خودشان را «کرد سوری» معرفی کرده و دولت ترکیه نیز آنها را به گروه‌های تروریستی در سوریه تحویل داده است. حتی در این مدت اخباری منتشر شد، مبنی بر اینکه گروه مذکور با خانواده این افراد تماس گرفته و خواستار دریافت دو هزار دلار در ازای آزادی هریک از آنها شده‌اند. «شرق» نیز چندی پیش گزارشی درمورد این مهاجران نوشته بود. از چندی پیش و بارها، خانواده‌های این افراد اقدام به برگزاری تجمع مقابل وزارت امور خارجه، همچنین سفارت ترکیه در تهران کردند.

برقراری پرواز مستقیم کراچی به مشهد

● ایلنا؛ سرکنسول ایران در کراچی از برقراری پرواز مستقیم کراچی به مشهد از سوی شرکت ایران‌ایر خبر داد. حسن نوریان در حساب توئیتر خود نوشت: خبر خوب برای بازرگانان، گردشگران و زائران از روز چهارشنبه پنجم ژانویه ۲۰۲۲ مطابق با ۱۵ دی ۱۴۰۰، پرواز مستقیم کراچی به مشهد از طرف شرکت ایران‌ایر «هما» برقرار می‌شود. به‌این‌ترتیب هما از مبدأ کراچی به‌صورت هفتگی دو پرواز برنامه‌ای به تهران و مشهد خواهد داشت.

آسیب شناسی

از مذاکره به زبان فارسی تا اختلافات باقی‌مانده از ژوئن

اولیانوف ستاره این دور مذاکرات شده، امیدوارم مذاکره‌کنندگان ما به حمایت‌های آتشین او از ایران دل نبندند

زینب اسماعیلی‌سویبری: تیم مذاکره‌کننده دولت جدید بعد از یک تعطیلی کوتاه مذاکرات را از این هفته در وین از سر می‌گیرند. دو دور مذاکره هفتم و هشتم را در گفت‌وگو با دیاکو حسینی، تحلیلگر ارشد روابط بین‌الملل آسیب‌شناسی کردیم. این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

ک تیم مذاکراتی دولت جدید تاکنون سه نوبت به وین رفته و دور هفتم و هشتم مذاکره را انجام داده است. دستیابی به توافق در دور بعدی هم بعید به نظر می‌رسد. اما اگر بی‌طرفانه و با نگاهی کارشناسی بخواهیم مذاکراتی که تاکنون انجام‌شده را آسیب‌شناسی کنیم، به نظر شما مسیری که تاکنون طی شده از لحاظ منافع ملی کشور، تا چه میزان قابل‌دفاع است. شما فکر می‌کنید مسیر پیش‌رو چگونه می‌تواند در راستای منافع کشور و بازگردن گره از اقتصاد مملکت باشد؟

قبل از هر چیز لازم به اشاره است که ساختار تصمیم‌گیری درباره سیاست‌های مذاکراتی پیچیدگی‌های خاصی دارد. از یک طرف جهت‌گیری‌های کلی دراین‌باره در عالی‌ترین سطح نظام اتخاذ می‌شود اما از طرف دیگر شورای عالی امنیت ملی است که تصمیم‌های اصلی در پیشرد سیاست‌های ابلاغ‌شده را می‌گیرد و این وزارت خارجه است که باید آن تصمیم‌ها را به اجرا بگذارد. این ساختار البته تماما از بالا به پایین نیست و در یک فرایند یویا، وزارت خارجه و مذاکره‌کنندگان می‌توانند بر ارزیابی‌های شورای عالی امنیت ملی در ادامه مسیر تأثیر بگذارند و ارزیابی‌های این شورا به نوبه خود بر تصمیم‌ها در سطح عالی نظام مؤثر است. مجموعا می‌توان گفت هر قدمی در مسیر مذاکرات و سیاست‌های هسته‌ای کشور در یک سازوکار فرادولتی مورد تأیید قرار می‌گیرد. اما این به دو معنا نیست. اولاً به این معنا نیست تمام این فرایندهای غیرسیاسی است. گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی افراد، چه در حوزه تصمیم‌گیری و چه اجرا به درجات مختلف بر مسیر سیاست‌گذاری و پیشبرد سیاست‌ها تأثیرگذار است و می‌تواند آثار مطلوب یا نامطلوبی به همراه داشته باشد. ثانیاً، فرادولتی‌بودن کلیت سازوکار سیاست‌گذاری مذاکرات، به این معنا نیست که دولت‌ها نقش‌تعیین‌کننده‌ای در تمامی مراحل فرایند سیاست‌گذاری و اجرا ندارند. به خاطر همین پیچیدگی است که هم می‌توان گفت مسئله

دیپلماسی

آسیب شناسی مذاکره در دولت جدید در گفت‌وگو با دیاکو حسینی، تحلیلگر روابط بین‌الملل

از مذاکره به زبان فارسی تا اختلافات باقی‌مانده از ژوئن

اولیانوف ستاره این دور مذاکرات شده، امیدوارم مذاکره‌کنندگان ما به حمایت‌های آتشین او از ایران دل نبندند



علمبر

خطیب‌زاده

شعارهای گذشته که اغلب آنها امکان‌ناپذیر بودند، رها کند و خود را در صاف با دستاوردها و میراث دولت قبل صحبت کرد. بی‌شک، درک و همین‌طور مهارت دولت‌های

ک اگر بخواهیم وارد جزئیات مذاکرات شویم، یکی از موضوعات مشخص بحث زمان و دوره مذاکرات است که هر طرف با توجه به این بحث، در حال ساخت یک انکاره مشخص مبنی بر مقصر نشان دادن دیگری هستند. دولت دموکرات دولت آقای رئیسی همان‌طورکه انتظار می‌رفت، مسیر کلی باید همانی می‌بود که قبلا وجود داشت اما با رویکرد و سیاست‌های اجرایی متفاوت برای گرفتن نتیجه‌ای بهتر که قاعداً از دل انتقاد نسبت به نحوه دستیابی به برجام و اجرای آن در سال‌های اخیر بیرون آمده است. اینجا اول مشکلات است چون از یک طرف دولت و تیم جدید مذاکره‌کننده بر خود ضروری می‌دانند ثابت کند که تمامی انتقادهای

قبل و شعارهایی را که مبنی بر مطالبات حداکثری بود، می‌تواند محقق کند و از طرف دیگر واقعیت‌ها به‌راحتی چنین اجازه‌ای نخواهند داد. شاید این مهم‌ترین دلیلی بود که در دور هفتم مذاکرات، طرف ایرانی با مطالبات حداکثری و در تلاش برای بی‌اعتنایی به متن توافق شش دور گفت‌وگوهای پیشین وارد مذاکرات شد. اما من تصور می‌کنم راز موفقیت دولت در هدایت مذاکرات این است که خود را از زیر بار احساس مسئولیت نسبت به تحقق افتاد. اما یک دلیل مهم‌تر هم بود. دولت آقای رئیسی موفقیت مذاکرات را در این می‌دید که به طرف غربی نشان بدهد به خاطر تحریم‌ها تحت فشار نیست و باعث عجله در رسیدن به نتیجه مذاکرات نخواهد شد.

چنین تصویری، ایران را در موضع ضعف قرار می‌داد. اگر دولت به‌سرعت به مذاکرات برمی‌گشت، پیامی برخلاف نیت موردنظر دولت ارسال می‌کرد. البته من معتقد نیستم که این رفتارها، محاسبات طرف‌های غربی را تغییر می‌دهد. منابع آنها در این‌باره که ایران چقدر تحت فشار تحریم‌هاست یا نه، مدارک مشاهده‌پذیر در زندگی روزمره مردم است که با آمار و ارقام قابل دستیابی است. به‌رحال ما در دنیایی که ملت‌ها پشت دیوار بلند قلعه‌ها محصور و غیرقابل مشاهده هستند، زندگی نمی‌کنیم.

ک ترکیب تیم مذاکره حتما نکته مهمی است. ترکیب تیم را مقتضی چنین بحث پیچیده‌ای می‌دانید؟ مثلاً این تیم خواسته نقدی را که به تیم مذاکره قبلی بوده از خود بردارد و ترکیب ۳۰ یا ۴۰ نفری چیده است. علاوه‌براین قابلیت و اشراف تیم جدید است که موضوع بحث است. اگر تیم قبلی به‌عنوان دیپلمات‌هایی وفادار به منافع کشور حفظ می‌شدند، ما اکنون در نقطه بهتری نبودیم؟

نمی‌شود چنین انتظاری داشت. وقتی دولت تغییر می‌کند و بنا دارد رویکرد کاملاً تازه‌ای را دنبال کند، طبیعتاً به مذاکره‌کنندگانی نیاز دارد که به آن رویکرد مستعد باشند. تعداد تیم مذاکره‌کننده هم یک امر ثانوی است و الزاماً امر مطلوب یا نامطلوبی نیست. تا جایی که می‌دانیم، آقای عراقچی همچنان مشورت‌هایی به تیم مذاکره‌کننده می‌دهد که نشانه خوبی است. همین‌طور بدنه کارشناسی تیم مذاکره‌کننده کم‌وبیش همانی است که در مذاکرات فنی گذشته هم شرکت داشتند. انتقاداتی که امروز می‌توان به تیم مذاکره‌کننده وارد دانست، مربوط به استراتژی مذاکراتی و مهارت در اجرای خواسته‌ها است.

ک بله، وارد بحث خود مذاکرات می‌شویم. گفته شده که مذاکره به‌صورت مکتوب و غیرمستقیم بین طرف ایرانی و آمریکایی انجام می‌شود. شما به نتیجه چنین مذاکراتی خوش بین هستید؟ آسیب‌هایی به نظری می‌رسد پیش از منعقد شدن مذاکرات.

قبل از این نکته، مذاکره به زبان فارسی یکی از ایرادات مهم این دور از گفت‌وگوهاست. در مذاکرات چندجانبه، متن پایه به زبان انگلیسی است و این زبان در تنوع مفاهیم بارها پیچیده‌تر از زبان فارسی است. اگر مذاکره‌کننده نتواند در روند مذاکره و متن توافق از کلمات استفاده کند که دیگران هم مفهوم یکسانی از آن برداشت کنند، نتیجه‌ای جز سردرگمی در مذاکره و تفسیر متن قرارداد ندارد. این نقص دقت در انتقال مفاهیم را باید اضافه کنیم به ایراد اتلاف وقت برای ترجمه و طولانی‌شدن غیرضروری مذاکرات و همین‌طور ناتوانی در انتقال لحن مذاکرات که در دنیای تعاملات انسانی نقش مهمی در مجاب‌کننده‌بودن احساسات و استدلال‌ها دارد. همه اینها به این معنی نیست که مذاکرات بدون تسلط مذاکره‌کننده به زبان بین‌المللی

پیش نمی‌رود؛ اما بدون تردید برای یک دیپلمات در سطح عالی یک نقص چشمگیر محسوب می‌شود. در کنار این نارسایی، مذاکره غیرمستقیم به تردید درباره دقت انتقال دیدگاه‌ها افزوده است. استدلال اصلی در امتناع از مذاکره مستقیم با آمریکا این است که چون آمریکا از برجام خارج شده و ایران تنها در چارچوب برجام خود در مجاز به مذاکره مستقیم با آمریکا می‌داند، امکان مذاکره مستقیمی تا قبل از بازگشت کامل آمریکا به برجام و پیداکردن حق دوباره برای نشستن دور میز کمیسیون مشترک وجود ندارد. بنده هنوز متقاعد نشده‌ام که این استدلال چگونه می‌تواند به منافع ایران خدمت بیشتری در مقایسه با مذاکره مستقیم بکند؛ اما حتی اگر مینا را این امتناع قرار بدهیم، راه‌های دیگری هم وجود داشت و ما بدترین را انتخاب کرده‌ایم. برای مثال می‌توانستیم با تکیه بر همان استدلال با تغییر شکل میز مذاکرات، اعضای باقی‌مانده در برجام یعنی ۴+۱ به همراه ایران را در یک طرف میز رویه‌روی آمریکا به‌عنوان عضو خارج از برجام در سوی دیگر می‌تعریف کنیم. این نوع ابتکارها در تاریخ دیپلماسی بی‌سابقه نیست. با این قبیل ابتکارها می‌توانستیم هم مذاکره رودررو با نمایندگان آمریکا داشته باشیم و از مضرات مذاکره غیرمستقیم اجتناب کنیم و هم از پذیرش مذاکره با آمریکا در چارچوب برجام خودداری کنیم. در غیاب این قبیل ابتکارها، درحالی‌که سه کشور اروپایی به همراه چین و روسیه نیز بعد از خروج آمریکا از برجام نتوانسته‌اند به تعهدات‌شان عمل کنند، به این ششانی فراتر از آنچه مناقش را دارند، بخشیده‌ایم. این کشورها امروز منتقل‌کننده دیدگاه‌های متقابل ایران و آمریکا هستند و ما نمی‌دانیم که با چه دقت، صراحت و صداقتی این کار را انجام می‌دهند و در خلال این نقش‌آفرینی چه معاملاتی را در راستای منافع خود سروسامان می‌دهند.

ک دور هفتم ایران دو سئند ارائه کرد که به نوعی مذاکره را فصل کرد. آن‌گونه که تیم‌ها بدون حتی روایت مشترکی وین را ترک کردند. اولیانوف جدیداً در مصاحبه با فاینن پالیسی گفته که روسیه و چین ایران را متقاعد کردند که روی تحریم و مسئله هسته‌ای تمرکز کنند و سندی را که در شش دور به دست آمده بود، ادامه دهند؛ اما آقای امیرعبدللیان چند روز پیش گفتند که ما دیگر با چند سند مواجه نیستیم و به سند ژوئن هم کاری نداریم و به یک سند جدید دست یافته‌ایم. یک ابهام اینجاست که واقعا اکنون در میز مذاکره به یک سند مشترک دست یافته‌اند یا اصلاً کار به نگارش در سندها رسیده است؟

در دور هفتم گفت‌وگوها که اولین‌بار بود نمایندگان جدید مذاکراتی راهی وین می‌شدند و طبیعتاً آخرین فرصت را داشتند که شانس خود را برای گرفتن امتیاز بیشتر امتحان کنند، ایده طرح دو سند جدید که قبلاً وقت زیادی برای تهیه آن صرف شده بود، به میان آمد. طبق اظهارات طرف‌های غربی، این طرح‌ها نزدیک به ۹۰ درصد از طرح تفاهم‌شده ژوئن را تغییر داده بودند و به همین دلیل از سوی هیچ‌یک از طرف‌ها مورد استقبال قرار نگرفت. یک هفته پس از آن و بعد از بررسی طرح از سوی دیگر طرف‌ها، محبت تغییرات جزئی در متن ژوئن بر اساس طرح‌های جدید به میان آمد. به فرض درستی این اطلاعات، عدول از تغییرات ۹۰درصدی به تغییرات جزئی در عنوان از یک فته، این پیام نادرست را منتقل می‌کند که می‌توان با اندکی مقاومت، مطالبات ایران را به میزان درخور توجهی کاهش داد. باید توجه داشته باشیم که هنوز اختلاف‌های اصلی که در متن ژوئن نیز مذاکرات درباره آنها به آینده سپرده شده بود، به جای خود باقی است و چنین پیام نادرستی می‌تواند تکیار برای مذاکره‌کنندگان در ادوار آتی دشوارتر کند. تا زمانی که سند نهایی تدوین نشده، نمی‌توان درباره این جزئیات نظر قطعی داد؛ به‌ویژه اینکه به‌طور طبیعی همه طرف‌ها تلاش می‌کنند فضای رسانه‌ای را به نفع موضوع خود سامان دهند و در فضای ایجادشده برای هدایت مذاکرات بهره بگیرند. اما اینکه همه طرف‌ها امروز ادعای دارند اختلاف‌ها کاهش یافته، نشان می‌دهد احتمالاً سرعت مذاکرات در هفته‌های آینده افزایش خواهد یافت.

ک نکته دیگر درباره موضوع سندها، این سؤال است که این غیرعادی نیست که این میزان تشمت نظر درباره سندی که قرار است روی آن توافق شود، وجود دارد؟ نظیر دیگرش روی روایات این بود که مشخص نشد چه تمی تقاضا کرد دور هفتم تمام شود؟ غربی‌ها گفتند ایرانی‌ها خواستند برای مشورت به تهران برگردند و ایرانی‌ها گفتند به درخواست ۴+۱ برای تعطیلات کریسمس مذاکره متوقف شد. بالاخره موضوعی به این سادگی نباید روایت یکسانی داشته باشد؟

عمق اختلاف‌های به‌جامانده مانع از آن شده توافقی درباره روایت یکدستی که باید به بیرون از اتاق مذاکرات انتقال یابد، شکل بگیرد. باید این توجه را هم داشته‌باشیم که حتی متن تفاهم‌شده ژوئن و همین‌طور نسخه اصلاح‌شده آن الزام‌آور نیست و بنا نیست توافق نهایی برای بازگشت آمریکا به برجام و الزامات آن، بدون هیچ کم‌وکاستی مطابق بندهای این تفاهم باشد و ممکن است در جریان گفت‌وگوهای آتی مقداری جرح و تعدیل پیدا کند و بخش‌هایی از آن بنا بر اقتضا مورد مذاکره قرار بگیرد. نهایی‌نبودن این متن است که باعث شده طرفین از رسانه‌های کردن آن خودداری کنند. بنابراین معادرتی از تشمتی که شاهد آن هستیم، طبیعت مذاکرات است. **ادامه در صفحه ۹**

ادامه از صفحه اول

تذکری دوباره درباب تفرقه‌افکنی

اما این توصیه‌ها لزوماً به یک رویه عملی، عملیاتی، اجرایی و سیاست‌گذاری روشن و جامع مبتنی بر قانون اساسی و حقوق آحاد ایرانیان منجر نشده است. در نتیجه گاه و بی‌گاه شاهد برخی اقدامات مغایر وحدت هستیم. آخرین مورد از این نوع کم‌توجهی‌ها انتشار مطلبی در روزنامه جوان است که با بودجه عمومی اداره می‌شود و در آن با بی‌مبالاتی و بدون درنظرگرفتن حساسیت‌های ناشی از این دست شبیه‌سازی‌های مذهبی، از قول یکی از شخصیت‌های سیاسی درباره دیدار رئیس‌جمهوری سابق با رهبری از شبیه‌سازی تاریخی غیرمستقیم استفاده شده و برخی شخصیت‌ها و صحابی مورد احترام اهل سنت به‌عنوان مستندات تاریخی، مورد توجه قرار گرفته بودند. سال‌های گذشته نیز در شبکه صداوسیما استان کردستان چنین خطایی بروز کرد که به‌سرعت به واکنش گسترده شخصیت‌های دینی و مذهبی منجر و رئیس محلی صداوسیمای استان مجبور به پوزش و عذرخواهی شد. جریان‌ها و نیروهای سیاسی کشور در رقابت‌های سیاسی نباید انسجام و همبستگی ملی را از طریق استفاده از مباحث مذهبی و تفرقه‌افکنانه مورد هجوم قرار دهند.

بر همین اساس پیشنهاد می‌شود:

۱- برای همه مسئولان دولتی و حاکمیتی و رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌هایی که با هزینه‌های عمومی فعالیت می‌کنند، کلاس‌های آموزشی با هدف تقویت همبستگی و انسجام ملی برگزار شود. این رسانه‌ها و نیز نیروهای سیاسی در قالب این کلاس‌ها و آموزش‌ها با حساسیت‌های ملی، طایفه‌ای، مذهبی و فرقه‌های و خطوط فرمز در مباحث هویتی آشنا شوند. در کشوری که سابقه چندهزار سال حکمرانی در گستره‌ای متنوع از اینین‌ها، فرقه‌ها، مذاهب و ادیان را به‌عنوان میراثی تمدنی ثبت کرده، شایسته نیست امنیت و انسجام ملی، توسط عده‌ای تاریخ‌ناخوانده و ناآشنای به ملزومات کشمکشی در شرایط ویژه ایران گاه و بی‌گاه با مسئله و بحران روبه‌رو شود. هزینه‌های بی‌توجهی، گاه می‌تواند مخاطره‌آمیز باشد.

۲- در مواردی که شائبه توهین و تحریک احساسات مذهبی فرق اسلامی و ادیان الهی به چشم می‌خورد، مسئولان کشور بی‌ملاحظه و بی‌توجه به جایگاه و مذهب توهین‌کننده، برخورد فوری، یکسان و جدی داشته باشند تا چنان نشود که در میان گروهی از هم‌وطنان القا شود که برخورد تنها با یک طرف ماجرا صورت می‌گیرد و گروهی دیگر مصون از بازخواست هستند!

شمشیر داموکلس و تداوم مدیریت

این‌گونه مدیران با هزار ترفند مدافع حفظ وضع موجود بوده و همیشه با شایعه‌پراکنی، سخن‌چینی و حتی ارعاب بر طبل نبود فرد مناسب و درخور یا انگیزشی برای جایگزینی و احراز بست خود می‌کوبند. گویی که لباس جایگاه کنونی ازابتدا بر قامت آنها پرو و دوخته شده است و چه‌خام‌پنداری که اگر نبوده‌اند کسانی که خواسته و ناخواسته جای خالی نمی‌کردند و جایگاه وانمی‌نهادند، امروز هرگز نوبت به «ما» نرسیده بود. اگرچه در تکلیف‌آباد نیز هزارگامی در پرهیز از تکرار بی‌برنامگی‌ها و روزمرگی‌های اداری برآمده از لابی‌های ریز و درشت قدرت گاه با تن‌دادن به بختیاری بنیادین می‌توان دست‌کم پاسخ‌گوی بخشی از خواست و نیاز ناگزیر در تغییر سمت‌وسوی نظام فکری، تمرکززدایی و فعال‌سازی ساختار اجرایی بر پایه نیازهای فردا در نقشه راه و معادلات نوین بین‌المللی بود، ولی چه‌بسا که به سبب نبود درک و شناخت درست و بینگام محیطی، به دور از اندیشه و خرد سازمان‌یافته، گاه فرادستان خود را بیشتر در قامت یک ولی‌نعمت و نه امانتدار و مأمور به خدمت بر مجموعه فرودست می‌بینند. کسانی آنچنان دیبسته موقعیت و جایگاه اداری و قدرت برآمده از آن که برخلاف واماندگی و روزمرگی مجموعه تحت‌مدیریتشان، حتی با برافشاندن و برآمدن دولت‌ها و تغییر در مدیریت کلان و فرادستی، متناسب با سلیقه روز آنچنان در رفتار و کردار رنگ می‌بازند که گویی هرگز از منش، کردار و عملکرد آنها در خاطره کوتاه‌مدت کسی از اطرافیان نقش را زخمی به تلخ‌گامی به یادگار باقی نمانده است! چه خوش گفتند که ای ته‌پیدست رفته در بازار/ ترسمت بر نیآوری دستار! کهن‌آرزوی ماندگاری که به‌واسطه حقی که از مردم به فراخور جایگاه بر عهده مسئولین و تصمیم‌سازان در لباس فاخر وزارت در دولت و وکالت در مجلس نهاده است، به جبر زمانه، ناگزیر روزی در برابر مطالبه و خواست عمومی بر تغییرات مدیریتی درون و بیرون سازمانی دیر یا زود، رنگ می‌بازد. حقی که بازپرداخت آن افزون‌بازی هزاردستان، تخته‌بند و در گرو محدودیت کوتاهی زمان مسئولیت و توانایی زورمندان است.

رئیس کرسی یونسکو در مخاطرات زمین‌شناختی ساحلی، پژوهشده علوم زمین